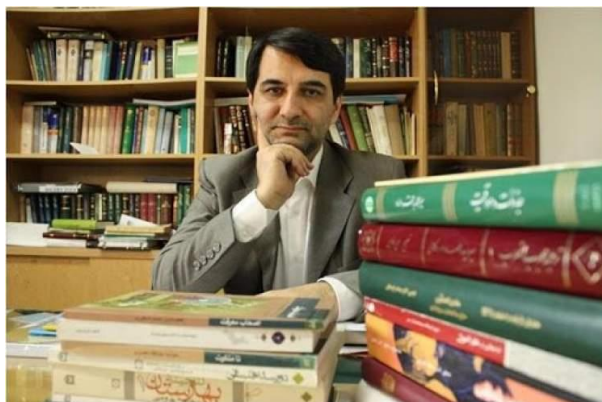


گفت و گو با مصحح کتاب «عَوْنُ إِخْوَانِ الصَّفَاءِ عَلَى فَهْمِ كِتَابِ الشِّفَاءِ»



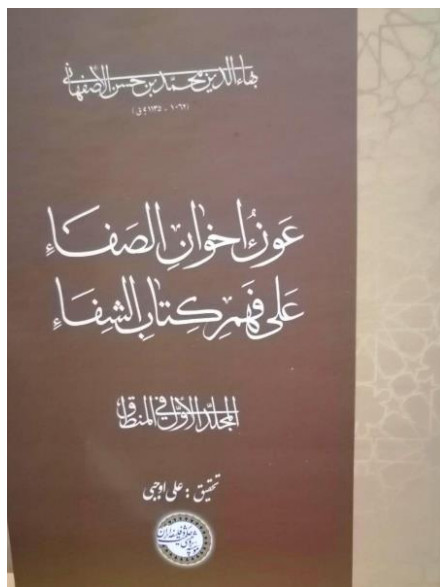
«عَوْنُ إِخْوَانِ الصَّفَاءِ عَلَى فَهْمِ كِتَابِ الشِّفَاءِ» اثر نفیس محمّدبن حسن الإصفهانی تلخیص کتاب شفا است که در ضمن حذف مکثرات عبارات شفا و بیان مطالب با عباراتی روان، که خاصیت قلم توانای اوست، مشکلات کتاب را نیز حل کرده است. مولف در این کتاب سعی دارد به متن وفادار باشد، در موارد اندکی به نقد آن نیز می‌پردازد. **علی اوجبی** این اثر را تصحیح کرده است و درباره تصحیح خود می‌گوید: مرحوم سید جلال متاسفانه نسخه معتبر این اثر را در اختیار نداشتند و به ناچار بر اساس نسخه‌ای مغلوط و با استناد به دانش شخصی خودشان برگ‌هایی از الهیات را تصحیح فرمودند. از این رو جستجوهای فراوانی کردم و سر انجام در کنار نسخه‌های چندی که از این اثر در چندی از کتابخانه‌های داخلی وجود داشت به نسخه‌ای دست یافتم که در برگ‌های متعددی حاشیه بلاغ داشت. یعنی نویسنده با فاصله اندکی از تالیف کتاب، این نسخه را با دستنویست خود مقابله و تصحیح و در برگ‌های متعددی به قلم خویش نوشته است که خود نسخه را مقابله کرده و مورد تایید وی است. گفت‌وگوی زیر با مصحح این کتاب است.

آشنایی شما با نویسنده و این اثر از کجا آغاز شد؟

نویسنده این اثر بهاء‌الدین محمد اصفهانی در جهان فقاقت با کتاب کشف‌اللاثام مهمترین شرح کتاب قواعد الاحکام علامه حلی، به شهرت و آوازه رسید. اما کمتر کسی از نقش وی در ساحت فلسفه اسلامی با خبر بود. در دهه هفتاد حین مطالعه کتاب ارزشمند منتخبی از آثار حکمای الهی ایران اثر زنده یاد سید جلال‌الدین آشتیانی با برگ‌هایی از بخش الهیات اثر حاضر برخورددم. در آغاز چنین می‌پنداشتم که نباید اثر مهمی باشد، اما عبارت‌های پایانی مرحوم آشتیانی توجه مرا سخت به خود مشغول کرد. ایشان درباره این اثر می‌فرمایند: «عون اخوان الصفا اثر نفیس بهاء‌الدین محمد بن حسن اصفهانی در حکمت، تلخیص کتاب شفاست که در ضمن حذف مکررات عبارات شفا و بیان مطالب با عباراتی روان که خاصیت قلم توانای اوست، مشکلات کتاب را نیز حل نموده است.» از یک سو کتاب شفای بوعلی سینا مهمترین کتاب در حوزه فلسفه اسلامی به شمار می‌آید که درست به همین دلیل از دیرباز در شمار متون کلاسیک و آموزشی فلسفه اسلامی قرار داشته است. از سوی دیگر به جهت دشواری‌های عبارات آن، علاقه‌مندان و مخاطبان به راحتی نمی‌توانستند از مباحث آن بهره‌مند شوند. هیچ شرح روانی هم در دسترس نبود. با توجه به فرمایش مرحوم سید جلال این اثر چند ویژگی داشت که آن را ممتاز می‌کرد و همان انگیزه‌ای شد برای اینکه وسوسه شوم: ۱. حذف عبارات تکراری شفا ۲. چکیده شفا ۳. حل مشکلات شفا و شاید مهم‌تر از همه اینکه به قلم نویسنده‌ای توانا آفریده شده

است.

البته چند سالی صبر کردم چون احتمال می‌دادم بر اساس وعده‌ای که در مقدمه داده بودند کتاب تصحیح و منتشر شود. اما متأسفانه این مهم عملی نشد. بعدها در جلسات خصوصی که با دکتر دینانی _ رفیق نزدیک مرحوم سید جلال _ داشتم یک بار یادی از اثر یاد شده به میان آمد. در کمال حیرت، ایشان از نویسنده با عبارت «فقیه فلاسفه و فیلسوف فقها» یاد کردند. به تجربه می‌دانستم دکتر دینانی به راحتی کسی را ستایش نمی‌کند. بدین ترتیب اصفهانی و عون اخوان صفا به شدت ذهن مرا مشغول خود ساخت. اما همچنان توفیق نمی‌یافتم و موانع و مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی اجازه نزدیک شدن به آن را نمی‌داد تا اینکه اتفاق جالب دیگری برایم رخ داد. در سال ۱۳۷۷ مرحوم شیخ عبدالله نورانی نسخه‌ای از کتاب حکمت خاقانیه اثر بهاءالدین اصفهانی که دوره مختصری در فلسفه به زبان فارسی بود را به موسسه پژوهشی میراث مکتوب معرفی و بر تصحیح آن تاکید ورزید. مدیر عامل محترم این موسسه آقای دکتر اکبر ایرانی نیز با در اختیار گذاشتن تصویر نسخه‌ای از آن مرا به تصحیح ترغیب فرمودند. با بازخوانی این اثر بی‌نظیر دریافتم نویسنده اعجوبه‌ای در ساحت فلسفه است که متأسفانه ناشناخته مانده است. پس از تصحیح آن بود که با تاکیدهای مکرر جناب دینانی به سراغ اثر مهمتر او یعنی عون اخوان الصفاء رفتم.



منظور از این عنوان چیست و هدف اصلی نویسنده از تالیف این اثر چه بوده؟

پرسش مهمی را مطرح کردید. نخست آنکه تا یادم نرفته به این نکته اشاره کنم که اصفهانی در این اثر به ریاضیات نمی‌پردازد و تنها به سراغ منطق، طبیعیات و الهیات می‌رود. شاید به این دلیل که ریاضیات شفا جایگاهی در معرفت‌شناسی ندارد و به نوعی کاملاً متفاوت از مباحث دیگر است و دیگر اینکه مخاطبان بسیار خاصی دارد و در اهمیت به پایه بخش‌های دیگر نمی‌رسد. شاید هم به این دلیل بوده که او تسلط یا علاقه‌ای به این دانش نداشته است. از این رو در هیچ یک از آثار مستقل و حواشی و شروحاتی که از خود به یادگار نهاده به اثری با موضوع ریاضی و دانش‌های مشابه بر نمی‌خوریم. اما در باب نامگذاری این اثر: او در مقدمه نخست به این نکته می‌پردازد که در شرایط اجتماعی مناسبی نمی‌زیسته و با سختی‌های فراوانی مواجه بوده. این در حالی است که شرح کتاب پربرگ و بی‌نظیری چون شفا قطعاً به فضایی آرام و مناسب برای تامل و

اندیشه‌ورزی نیازمند است. از سوی دیگر دانشجویان فلسفه همواره در استفاده از این منبع دچار مشکل بودند. از این رو در ابتدا دچار تردید می‌شود که آیا به سراغ شفا برود یا نه؟ و آیا توفیق شرح چنین اثر عمیقی را در شرایط دشوار یاد شده خواهد یافت یا نه؟ به سراغ قرآن کریم می‌رود و پس از استخاره عزمش جزم می‌شود که حتماً به هر نحو که شده به این مهم بپردازد. او کتاب خویش را از روی فروتنی «یاری رسان پاکدلان در فهم کتاب شفا» می‌نامد. با این امید که بتواند گامی کوچک در این عرصه بردارد.

نکته شگفت‌آوری که به نوعی حاکی از نبوغ و استعداد فوق‌العاده وی است اینکه او که در سن ۱۴ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمده بود! نخست در سن ۱۶ سالگی به شرح شفا می‌پردازد، اما متأسفانه به دلایل نامعلومی در اثر یک آتش‌سوزی از میان می‌رود و بعدها در سن بیست و دو سالگی دوباره اثر حاضر را می‌نویسد و آن را به شاه سلیمان صفوی تقدیم می‌دارد.

آن گونه که در صحبت‌های قبلی از زبان مرحوم سید جلال نقل فرمودید، اثر حاضر به گونه‌ای شرح مختصر شفا به شمار می‌آید. آیا او تنها به توضیح عبارت شفا بسنده کرده است؟

در پاسخ به این پرسش شما به اختصار باید بگویم گرچه هدف اصلی او شرح و گزیده کردن عبارات شفا بوده، اما در موارد محدودی به نقادی آنها نیز می‌پردازد که این نیز حاکی از احاطه وی بر فلسفه اسلامی و منطق است. در مقدمه به تمامی این موارد اشاره کرده‌ام. و قطعاً اینجا جای طرح آن مباحث تخصصی نیست.

اساس تصحیح شما مبتنی بر چه نسخه‌هایی بوده است؟

مرحوم سید جلال متأسفانه نسخه معتبر این اثر را در اختیار نداشتند و به ناچار بر اساس نسخه‌ای مغلوط و با استناد به دانش شخصی خودشان برگ‌هایی از الهیات را تصحیح فرمودند. از این رو جستجوهای فراوانی کردم و سرانجام در کنار نسخه‌های چندی که از این اثر در چندی از کتابخانه‌های داخلی وجود داشت به نسخه‌ای دست یافتم که در برگ‌های متعددی حاشیه بلاغ داشت. یعنی نویسنده با فاصله اندکی از تالیف کتاب، این نسخه را با دستنویست خود مقابله و تصحیح و در برگ‌های متعددی به قلم خویش نوشته است که خود نسخه را مقابله کرده و مورد تأیید وی است. از این رو همین نسخه را اساس تصحیح خود قرار دادم که به منزله نسخه خود نویسنده است. البته باید به نکته نیز تصریح کنم که تاکنون نسخه خط مولف یافت نشده است.

اگر در پایان نکته‌ای باقی مانده بفرمایید.

با توجه به سالها پژوهش بر روی متن شفا بر این باروم که اثر حاضر می‌تواند هم به عنوان متن درسی مورد استفاده قرار گیرد و هم به عنوان شرحی کوتاه برای دستیابی سریع و آسان به اندیشه‌های ابن سینا بدون درازگویی و پیچیدگی. در اینجا جا دارد بار دیگر از مسئولان و دست‌اندرکاران موسسه پژوهشی حکمت فلسفی قدردانی نمایم که این اثر مهم را در قالبی زیبا منتشر کردند. نیز از معاونت محترم پژوهشی موسسه جناب آقای دکتر یوسف ثانی که با نکته‌سنجی‌های عالمانه خود مرا به برخی اشکالات رهنمون ساختند.

منبع: ابینا